

# کشش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ / سال بیست و یکم / شماره ۸ / ۲۰۰۲ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

## با آثاری از:

- ابراهیم حسن بیگی
- یوسف قوجق
- علیرضا ابن قاسم
- محمد قاری
- علی بایزیدی
- فروغ محسنی مفیدی
- انسیه روشنی



چه وقت بهار!

## مرجان کار

تولید کننده

بلوک سقفی و تیغه دیواری

www.marjankar.ir

در خدمت توسعه مسکن در شمال کشور

تلفن کارخانه گرگان: ۰۱۷-۳۲۱۶۴۵۲۷

دفتر فروش گرگان: ۰۱۷-۳۲۲۲۳۶۴۲

## یادداشت اول

### مدیریت ضعیف منابع آبی

■ با مسوولیت سردبیر

دبیر کل سازمان ملل در نشست سالانه ی آب که سال گذشته در بوداپست برگزار شد گفت: در سال ۲۰۳۰ نیمی از مردم جهان تشنه‌اند!

در این نشست اعلام شد که جنگ جهانی بعدی ما بین ملت‌ها، جنگ آب خواهد بود! در حال حاضر یکی از مشکلات کشور کمبود آب است. در برخی استان‌ها خشکسالی بیشتر و در برخی از استانها کمتر است. کشاورزان برای مقابله با کم آبی اغلب از آب چاه یا آب تصفیه شده پساب‌ها استفاده می‌کنند که البته برخی از آن‌ها از روش‌های غیرقانونی همچون حف‌چاه‌های غیرمجاز استفاده می‌کنند. که خب تبعات این اقدام در جای خود حرف و حدیث‌هایی دارد.

بیش از ۹۰ درصد آب موجود در کشور در بخش کشاورزی مصرف و کمتر از ۱۰ درصد به آب شرب اختصاص دارد و البته سهم بخش صنایع نیز از همین ۱۰ درصد تامین می‌شود. این آمار یعنی هر چه سریع‌تر باید راهکار جدی برای چگونگی مصرف آب در بخش کشاورزی اندیشیده و عملیاتی شود. امروز اگر آمارها را در کشور بررسی کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که در زمینه مدیریت منابع آبی بسیار ضعیف عمل کرده ایم.

آنچه در سال‌ها و دهه‌های آینده، ایران را بیشتر از چالش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی تهدید خواهد کرد، مسأله آب و مدیریت منابع آبی است. ایران روی کمربند خشکسالی خاورمیانه قرار دارد. همه‌ی متخصصانی که در حوزه تغییر اقلیم فعالیت دارند معتقدند، روند خشکسالی در ایران آغاز شده و کاهش بارش در استان‌های ایران، کاهش میزان منابع آب زیرزمینی، افزایش درجه دما و... از شاخص‌هایی است که نشان می‌دهد ایران درگیر تغییر اقلیم شده است. و این روند در سالهای پیش رو قطعاً شرایط بغرنج‌تری را برای کشورمان رقم خواهد زد.

مدیریت صرفه‌جویانه تر در حوزه ی منابع آب و انرژی باید جزئی از فرهنگ ما شود سیاست‌هایی چون اصلاح الگوی مصرف و سازگاری با تغییر اقلیم راهکارهایی است که می‌تواند به مدیریت منابع آبی کمک کند.



اگر رفتارش را ادامه دهد  
قطع همکاری می‌کنم!  
« ۸ »



آغار برداشت محصولات زراعی و لزوم  
همه‌انگهی سازمانها و ادارات متولی  
« ۷ »



معافیت ۸۵۰ هنرمند گلستانی  
از پرداخت حق بیمه فصل بهار  
« ۲ »

# شکار ممنوع شد

« ۷ »



## شب قدر در

## بیمارستان‌های گرگان

عکس: مهسا صفری

رئیس پارک علم و فناوری گلستان گفت: برای احداث یک کارخانه نوآوری با اعتباری بالغ بر پنج میلیارد تومان آغاز شده که برای تکمیل این طرح، حدود ۱۵ میلیارد تومان اعتبار نیاز داریم. به گزارش روابط عمومی پارک علم و فناوری گلستان، مهدی غفاری در نشست با مجمع نمایندگان منتخب استان، اظهار کرد: باید زمینه حمایت از استارت‌آپ‌ها در استان فراهم شود تا بتوانند تولید ثروت کنند. وی با اشاره به کمبود فضای کالبدی برای فعالیت پارک در استان افزود: ۳۳ پارک علم و فناوری در کشور وجود دارد که ۶۴۲ هزار مترمربع فضای کالبدی دارند و ۴۶۲ هزار مترمربع هم از سوی بخش خصوصی ایجاد شده است. غفاری گفت: با احتساب سرانه جمعیت در استان باید بیش از ۱۴ هزار و ۶۰۰ مترمربع فضای کالبدی داشته باشیم، اما اکنون فقط هزار و ۶۰۰ مترمربع فضا داریم. وی تأکید کرد: استان گلستان تنها

رئیس پارک علم و فناوری گلستان:

**کارخانه نوآوری گرگان نیازمند  
۲۰ میلیارد تومان اعتبار است**

این در حالی است که تا میزبان ۹ برابر مبلغ اولیه تشکیل صندوق می‌توانیم از صندوق نوآوری و شکوفایی کشور اعتبار جذب و به صندوق تزریق کنیم. وی با اشاره به بهره‌برداری از فاز نخست کارخانه نوآوری شهر گرگان در نیمه دوم سال جاری، خاطرنشان ساخت: در شهر گرگان با حمایت‌های ویژه معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، احداث یک کارخانه نوآوری با اعتباری بالغ بر پنج میلیارد تومان آغاز شده که برای تکمیل این طرح، حدود ۱۵ میلیارد تومان اعتبار نیاز داریم. رئیس پارک علم و فناوری گلستان در پایان راه‌اندازی مراکز نوآوری را در سایر شهرها از دیگر فعالیت‌های این پارک برشمرد و گفت: برای مرکز نوآوری گنبد کاووس هم سه میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی شده است. قرار است در سال جاری، مراکز نوآوری در شهرهای بندرتَرکمن، علی‌آبادکتول و آزادشهر هم ساخته شود.

استانی است که پارک علم و فناوری آن در مرکز استان هیچ جایی ندارد؛ ایجاد یک بستر در گرگان برای پارک علم و فناوری بسیار مهم است. رئیس پارک علم و فناوری گلستان در ادامه با تأکید بر ضرورت تقویت و ایجاد یک تحول اساسی در بودجه سالیانه پارک علم و فناوری استان، گفت: مجموع بودجه سالانه پارک علم و فناوری گلستان از میانگین بودجه سالانه سایر پارک‌ها در کشور بسیار پایین‌تر است؛ به گونه‌ای که از این حیث حتی در طراز پارک‌های درجه دوم کشور هم قرار نداریم. غفاری با اشاره به عدم بهره‌مندی پارک گلستان از ظرفیت‌های صندوق نوآوری و شکوفایی کشور طی سال‌های گذشته، بیان کرد: خوشبختانه با تلاش‌های انجام‌شده، رایزنی‌های متعدد با سرمایه‌گذاران و حمایت‌های ویژه اتاق بازرگانی گرگان، صندوق پژوهش و فناوری استان با اعتباری بالغ بر پنج میلیارد تومان راه‌اندازی شد است؛

# بیمه درمانی ۹۴۰ هزار گلستانی را دولت پوشش می دهد

مدیرکل بیمه سلامت گلستان، اجرای طرح استحقاق سنجی بیمه شدگان با هدف دریافت خدمت از مراکز درمانی از نظر شناسایی جنسیت، هم پوشانی و تاریخ اعتبار دفترچه و نیز پوشش ۸۰ درصدی طرح نسخه نویسی الکترونیک با مشارکت پزشکان طرف قرارداد در استان را از مهم ترین برنامه های عملیاتی این اداره کل طی سال جاری اعلام کرد. به گفته وی سال قبل طرح پایلوت نسخه نویسی الکترونیک توسط اداره کل بیمه خدمات درمانی استان گلستان به جز در شهر گرگان با موفقیت اجرایی شد. وی همچنین گزارشی از روند اجرای سیستم الکترونیک تبادل اسناد بستری بیمارستان و بیمه سلامت، پوشش یک هزار و ۶۸۰ بیمار خاص در ۵ گروه تالاسمی، هموفیلی، تالاسمی، ام اس، پیوند کلیه و دیالیز و پرداخت ۳۱۰ میلیارد ریال هزینه درمان آنها طی سال قبل و تداوم اجرای آزمون وسیع (ارزیابی تمکن مالی بیمه شدگان) تا اطلاع بعدی به دلیل شیوع ویروس کووید ۱۹ ارایه کرد



اعتبار این اداره کل صورت می گیرد، اکنون در پرداخت طلب موسسه های طرف قرارداد استان نسبت به میانگین کشوری یک تا ۱.۵ ماه جلو هستیم. به گفته وی تا دی ماه ۹۸ دو هزار و ۵۷۰ میلیارد ریال اعتبار بابت خدمات ارایه شده به بیمه شدگان گلستان از سوی موسسه های طرف قرارداد تسویه شده که یک هزار و ۷۷۰ میلیارد ریال آن مربوط به موسسه های دولتی و دانشگاه علوم پزشکی و مابقی از آن بخش خصوصی است.

مدیرکل بیمه سلامت گلستان گفت که اکنون هزینه بیمه خدمات درمانی ۸۳ درصد از بیمه شدگان زیر پوشش این اداره کل معادل ۹۴۰ هزار نفر را دولت تامین و پرداخت می کند. مهرداد کمانگری در نشست خبری اظهار داشت: اکنون در استان گلستان یک میلیون ۱۳۰ هزار و ۸۵۰ نفر بیمه شده شامل روستاییان، کارکنان دولت، سایر اقشار، ایرانیان و سلامت همگانی از خدمات این اداره کل استفاده می کنند. به گفته وی سرانه ماهانه پرداخت بیمه خدمات درمانی به ازای هر نفر بیمه شده توسط دولت ۵۷۴ هزار ریال است. وی با بیان اینکه اداره کل بیمه خدمات درمانی گلستان در تامین و پرداخت طلب موسسه های طرف قرارداد استان به لحاظ درآمدزا نبودن دچار مشکل است، اضافه کرد: درآمد ماهانه این اداره کل ۳۰ تا ۳۵ میلیارد ریال است ولی هزینه پرداختی ماهانه با احتساب بخش دولتی و خصوصی به جز روستاییان بین ۲۹۰ تا ۳۰۰ میلیارد ریال می رسد. کمانگری گفت: در عین حال با تلاش هایی که با همکاری مسوولان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در تامین



## معافیت ۸۵۰ هنرمند گلستانی از پرداخت حق بیمه فصل بهار



مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان گفت که ۸۵۰ هنرمند زیر پوشش صندوق اعتبار هنر در این استان به دلیل شیوع ویروس کووید ۱۹ از پرداخت حق بیمه در فصل بهار معاف شدند. به گزارش روابط عمومی این اداره کل، عادل کشمیری اظهار داشت: اجرای این طرح از ۲۱ اردیبهشت ماه سال جاری آغاز شده و هنرمندان گلستانی نیازی به مراجعه حضوری ندارند و تمامی اقدامات و مراحل اداری آنان به صورت آنلاین انجام خواهند داد. به گفته کشمیری این تصمیم در نشست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیرعامل، هیات مدیره صندوق اعتباری هنر و معاون اول رئیس جمهور اتخاذ شده که بیمه شدگان صندوق اعتباری هنر از پرداخت حق بیمه خود در سه ماه اول سال جاری معاف شوند. وی همچنین از برخورداری هنرمندان عضو صندوق اعتباری هنر از ۲ هزار میلیارد ریالی منابع اشتغال پایدار در قالب وام قرض الحسنه برای جبران خسارت های ناشی از شیوع بیماری کرونا در بخش فرهنگ و هنر خبر داد و افزود: به زودی هنرمندان گلستانی عضو این صندوق نیز از مزایای آن برخوردار می شوند.

مطابق گزارش روز چهارشنبه رئیس مرکز اطلاع رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درباره آخرین آمار ابتلای قطعی به ویروس کرونا و موارد فوت ناشی از آن در کشور، تاکنون ۱۱۲ هزار و ۷۲۵ نفر در کشور به طور قطعی به ویروس کرونا مبتلا شده و فوت ۵۰ نفر در ۲۴ ساعت گذشته، تعداد جان باختگان کرونا در کشور به ۶ هزار و ۷۸۳ نفر رسید.

«»

## باد با سرعت ۷۵ کیلومتر بر ساعت مناطق دریایی گلستان را فرا می گیرد

مدیرکل هواشناسی گلستان با اشاره به وزش تندباد ۷۵ کیلومتری و موج شدن دریای خزر از امروز پنجشنبه به ماهی گیران استان توصیه کرد تا زمان پایداری جوی از حضور در دریای خزر خودداری کنند. در گلستان حدود ۲ هزار قایق صیادی در پهنه آبی دریای خزر و خلیج گرگان به ماهی گیری مشغول هستند. نوریخش داداشی در گفتگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: در مدت زمان فعالیت این سامانه در استان ارتفاع امواج در نقاط فراساحلی به یک متر می رسد که نتیجه آن نایمن شدن دریا برای فعالیت ماهی گیران است. وی ادامه داد: هوای فعلی استان نیمه ابری تا تمام ابری همراه با بارش های خفیف و پراکنده، رعد و برق و گاهی وزش باد شدید است.

داداشی افزود: از فردا جمعه تا شامگاه شنبه جو استان پایدار است اما از یکشنبه سامانه بارشی دیگری وارد گلستان شده و فعالیت خود را تا اواخر وقت سه شنبه ادامه خواهد داد

در دو طبقه شامل واحدهای اداری، کارگاههای آموزشی و هنری، سیستم گرمایشی موتورخانه شوافز، سرمایشی اسپیلیت و سیستم اعلام حریق می باشد و ظرفیت پذیرش ۲۰۰ نفر را برای انجام آیین ها و مراسم مختلف فرهنگی هنری شهرستان را دارد. این نشست با هدف بررسی کارهای انجام شده در این پروژه، نواقص و اقدامات پیشرو در جهت پویا شدن و تکمیل آن با حضور کلیه متولیان تشکیل گردید و تصمیمات و راهکارهای مناسب اتخاذ گردید.

فرهنگی هنری در رنج است که با بهره برداری از این پروژه شاهد تحولی قابل توجه ای در این بخش شهرستان خواهیم بود. محبوبی افزود: ساخت پروژه ساختمان مجتمع فرهنگی هنری گمشان با زیربنایی به مساحت دو هزار و ۱۲۳ مترمربع از سال ۸۶ آغاز شده است. وی ادامه داد: این پروژه در قالب سه قرارداد کاری با هزینه کرد مبلغ ۴۰۶۲۳ میلیون ریال تاکنون از محل منابع استانی در حال اجرا می باشد. مدیرکل راه و شهرسازی گلستان خاطر نشان کرد: این پروژه

طی نشست با حضور مدیرکل راه و شهرسازی گلستان به همراه فرماندار شهرستان گمشان، کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، معاون مهندسی و ساخت و پیمانکار مربوطه روند تکمیل پروژه ساختمان در حال ساخت مجموعه فرهنگی و هنری گمشان بررسی شد. به گزارش اداره ارتباطات و اطلاع رسانی اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان، مهندس "حسین محبوبی" در حاشیه بازدید از این پروژه افزود: شهرستان گمشان با پیشینه فرهنگی و تاریخی که دارد از وجود فضای مناسب

## تکمیل پروژه ساختمان مجتمع فرهنگی و هنری گمشان بررسی شد

## نوبت دوم

# آگهی دعوت مجمع عمومی سالیانه شرکت تعاونی تولیدکنندگان پنبه و دانه های روغنی منطقه گرگان

به اطلاع کلیه اعضای تعاونی می رساند جلسه مجمع عادی سالیانه در روز یکشنبه مورخ ۹۹/۳/۱۱ در ساعت ۹ صبح به نشانی: گرگان کیلومتر ۲ جاده علی آباد کارخانه پنبه کوشا برگزار می گردد. لذا از کلیه اعضا دعوت بعمل می آید در مجمع مزبور راس ساعت مقرر حضور بهم رسانند.

## دستور جلسه مجمع:

- ۱- گزارش هیئت مدیره، بازرسی و مدیرعامل
- ۲- تصویب ترانزنامه عملکرد مالی سال ۱۳۹۸
- ۳- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره به مدت سه سال
- ۴- انتخاب بازرسین شرکت به مدت یک سال
- ۵- طرح و اجرای بند ۴ ماده ۶۶ اساسنامه در خصوص تعیین و تکلیف بدهکاران لاوصول

توضیح: چنانچه بموجب ماده ۳۷ اساسنامه حضور عضوی در جلسه میسر نباشد میتواند تا یک روز قبل از برگزاری مجمع به دفتر تعاونی مراجعه و طی وکالتنامه حق رای خویش را به یکی از اعضا که در جلسه مجمع حضور می یابد واگذار نماید.



## با عمرم چه کرده ام

■ سیدحسین میرکاظمی

با دو کلام: حرمت و قدردانی «سلام و سیاس». در اکنون ما، با وضعیت آخر زمانی کرونایی که دست و دل از ویروس نامرئی می لرزد، انگار سال ها بود که با سرنوشت وعده ی یادواره ای داشتم. اینک حی و حاضر این سرنوشت و وعده ی روز شنبه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹، سال روز تولدم. جورکی شادی، پنهان شدنی نیست. شوقی با من می باشد. گویی با همت مدیر و نویسنده ی صاحب نام گرامی روزنامه ی گلشن مهر، بار دیگر یادمانی، یادنگاری پرشورتر کشف شده است. این نوع کارها با انگیزه ی احترام به کرامت انسان در هر شغل و مرتبه ای، به عمر رؤیاها می افزاید. با چنین ویژه نامه ای پر عطش تر برای آفرینش ادبی شده ام.

گفتنی است خلاقیت در سال های دشوار سن و سال نویسنده گی، هشدار خود را دارد. یک نویسنده مدام دلوپس آفرینش تازه و درگیر و دار خلاقیتی است و گریبان اش در چنگ و سوسه ای است، مبادا در سنین نزدیک دهه هشتاد، چراغ خلاقیت خاموش شود. صد البته پایداری آفرینشگری ممد حیات ادبی و هنری است. کتاب «روی جاده نمناک» مصاحبه با تورج فرازمند از نزدیکان صادق هدایت را خواندنی یافتم. علتی از خودکشی هدایت شاید این بود که احساس می کرد، قادر به خلق اثر مهمی نیست، حرف فرازمند بی اشاره هم نبود. هدایت قبل از خودکشی، از نظر روانی، روحی و ادبی به پایان رسیده بود.

باری! گفته شود در چنین سن و سالی که دارم، وقتی کتابی را به پایان می برم، از خود می پرسم چه چیزی از کتاب را خوانده ام، پس دوباره می خوانم. نیز کتاب را یک بار می خوانم تا متوجه شوم چی نوشته و بار دیگر می خوانم تا بدانم چه چیزی را ننوشته است. شنیدنی است وقتی می نویسیم رؤیای مان را می خوانیم، این مقصود آخرین آفرینش نیست. زمانی کتاب و اثر نویسنده ای خوانده و دیده شد، جریان و روند آفرینش کامل می شود. این مقصود آخرین آفرین است. به واسطه ی اثر یک نویسنده، پی می بریم، با سایه و روشن های خود چگونه توانسته رویایی را برجسته کند و مشخصات وسیع تری به آن داده است. به این معنا، نویسنده چه ارزشی را برای بیان و جاودانی کردن رؤیای خود قائل و جهان اثری را به وجود آورده است. در این مجال، به چند نکته قابل تأمل درباره ی جهان داستان اشاره می کنم: روایت. روایت عنصر اساسی رمان، ادبیات داستانی و عوام است. روایت یا کلام زنده، برای پدیدار ساختن جهان نویسنده می باشد. و در شناخت بیش تر: الف: کلمات و اعمالی در صورتی به خاطر می ماند که توسط روایت، بازگو شود.

ب: آن جا که روایت نیست، تاریخی وجود ندارد.

پ: روایت نحوه ی اندیشیدن است.

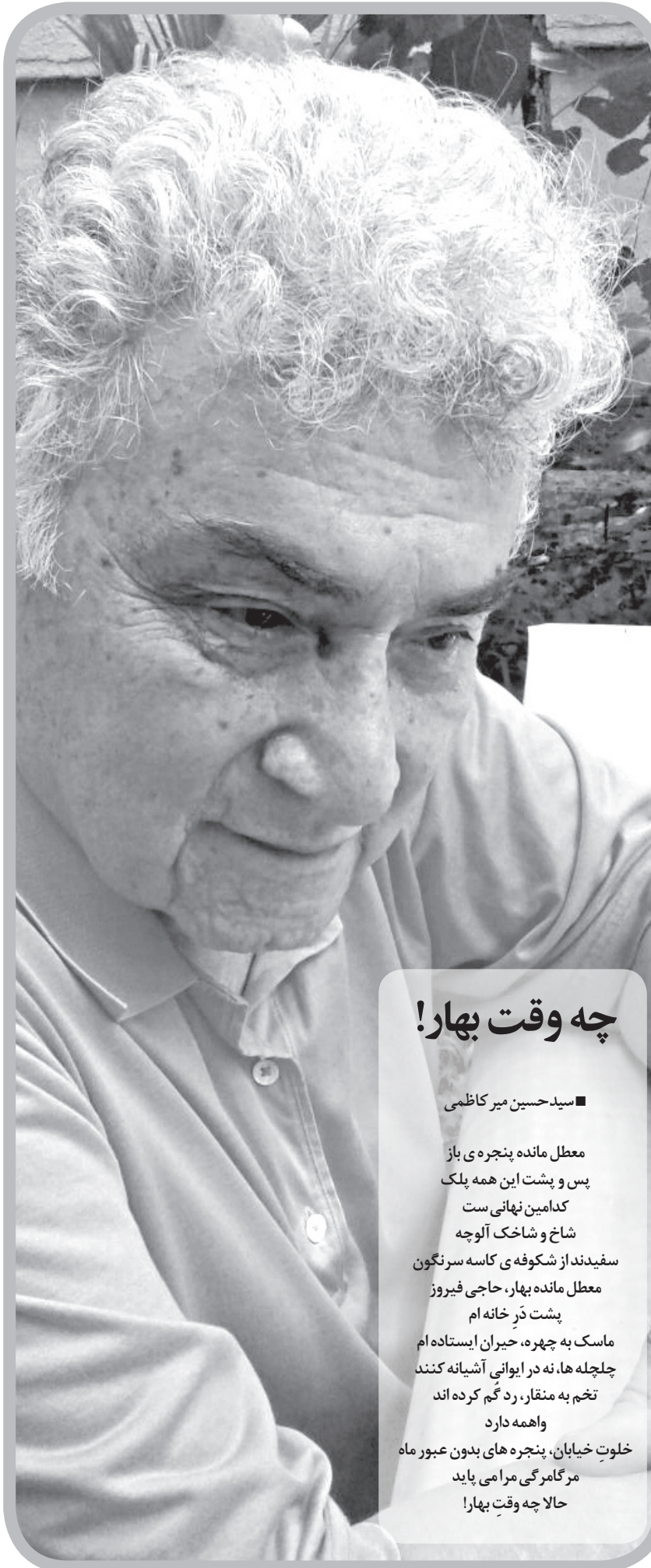
ت: برای هر شخصیت یک راوی قرار گرفته و در برابر هر راوی، جامعه ای است که از خاطره ها، تکانه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردار است.

باری! می گویم درون یک نویسنده می باید حادثه ی عجیبی باشد و آن عشق است. هر کس رویایی داشته باشد، می تواند داستان بنویسد. رؤیاها را نباید محو کرد. آن ها را به داستان تبدیل کنیم. همان طور که حضور هر انسان، آغاز تازه ای است، هر داستان هم می باید آغاز تازه ای باشد که چیستی و چگونگی جهان را بیان کند. با هر داستان تازه، یک آغاز و یک جهان تازه پا به عرصه وجود می گذارد. نوشتن داستان کوتاه، مشکل تر از رمان است. داستانی موفق است که همچون شعر هیچ احساسی را به صراحت نام نبرد. بلکه به طور تلویحی آن احساس را در ذهن خواننده زنده کند. همچنین داستان کوتاه، ارتباط زیادی با رمان ندارد. داستان کوتاه مدرن، ژانری است مجزا از رمان و بیش تر به شعر غنایی نزدیک است. و مانند شعر غنایی، در نهایت ایجاز می باشد. درباره ی ایجاز حرف هراکلیتوس فیلسوف یونانی، شنیدنی است: «پیام آوران غیب سخن نمی گویند، پنهان هم نمی شوند، بلکه علامتی می دهند و این علامت چیزی اجمالی و گذراست و باعث برانگیختن تفسیر می شود»

ادامه در صفحه ۴

# کاش می‌دانستم

زادروز نویسنده  
معاصر استاد سیدحسین  
میرکاظمی



## چه وقت بهار!

■ سیدحسین میرکاظمی

معطل مانده پنجره ی باز

پس و پشت این همه یک

کدامین نهانی ست

شاخ و شاخک آلوده

سفیدند از شکوفه ی کاسه سرنگون

معطل مانده بهار، حاجی فیروز

پشت درِ خانه ام

ماسک به چهره، حیران ایستاده ام

چلچله ها، نه در ایوانی آشیانه کنند

تخم به منقار، رد گم کرده اند

واهمه دارد

خلوتِ خیابان، پنجره های بدون عبور ماه

مرگامرگی مرا می باید

حالا چه وقت بهار!

## درباره ی رمان «یورت»

نامه های نویسندگان ایران، نوشته ی منتقدین ادبیات و مطبوعات معاصر، به میزان دست رسی در ۱۳ مورد، چنین است:

۱- جایزه به رمان یورت نوشته «سیدحسین میرکاظمی» به خاطر نگارش یک اثر پرتحرک که بر حقایق تاریخی متکی است و حاوی مجموعه ای از آداب و رسوم منطقه ای از کشور ماست، و نیز به خاطر سبک تصویری و تجربی آن اهدا می شود.

هیئت داوران جایزه ادبی گردون

صفدر تقی زاده، هوشنگ حسامی، محمدعلی سپانلو، حسین عابدینی، لیلی گلستان

۲- چه آثاری را باید خواند، راز کوچک فرخنده آقایی و یورت سیدحسین میرکاظمی و هفت داستان رضا قیصریه را باید جستجو کنم و حتما بخوانم و خواهم خواند. بزرگ علوی «مجله گردون»

۳- بهر حال یک خواننده که دلش می خواهد کارهای روشن و بی شیله پیله بخواند که درد مردم داشته باشد و خوب نوشته شده باشد و از همت و حمیت نویسنده اش حمایت کند، اگر بخواند به زبان فارسی باشد، باید صاف بیاید سراغ این کتاب هایی «یورت و ...» که با شما با کمال محبت و فتوت برای من فرستاده اید... درود به سیدحسین میرکاظمی برای همه کارهایی که کرده است.

از نامه ی ابراهیم گلستان

۴- کتاب خوب و خواندنی «یورت» یکی از زیباترین و ماندنی ترین داستان هایی است که به حال خوانده ام.

از نامه ی علی اشرف درویشیان

۵- در نگاهی گذرا به یورت، گوشه ای از یاد رفته از تاریخ تلاش مردم سرزمین مان را در راه آن چه هنوز ناتمام مانده باز به یادمان آورده اید و این کار را به گونه ای کرده اید که خواننده خود را در سرزمینی ناآشنا هم، بیگانه نمی یابد.

از نامه ی دکتر احمد کریمی حکاک

۶- مدار صفر درجه و یورت از لحاظ باز آفرینی رنجا و تشویش های دورانی سرشار از اضطراب، قابل توجه اند.

حسن عابدینی «کلک ماهنامه فرهنگی و هنری»

۷- یورت داستان حرکت است و کوچ در درازا و پنهانی اقلیم و سرگذشت، گذشته و اکنون، ماجرا و خیال... و قهرمانان آن واقعی اند، پیش روی ما می آیند و می گذرند و هم از این روست که «اسطوره خودشان هستند»

دکتر فرامرز سلیمانی «نشریه خارج از کشور»

۸- سیدحسین میرکاظمی، گریزان از رمانتی سیسم نادر ابراهیمی در داستان های ترکمنی اش، موفق شده است نخستین رمان واقعگرایانه از زندگی مردم ترکمن صحرا را بنویسد. یورت اثری است که میرکاظمی را به عنوان داستان نویسی جدی، مطرح می کند.

حسن عابدینی «کلک ماهنامه فرهنگی و هنری»

۹- هنوز داستان «یورت» را تمام نکرده ام، با وجود این از همین چند صفحه ای که خوانده ام نثر شاعرانه داستان نظرم را جلب کرده است.

از نامه ی تقی مدرسی

۱۰- رمان یورت اگر بیشتر باز شناسانده شود، به عنوان یکی از رمان های مطرح سده ی اخیر، می تواند جایی ویژه در ادبیات داستانی ایرانی برای خود باز کند.

دکتر مرتضا میرآفتابی «نشریه خارج از کشور»

۱۱- برای میرکاظمی و اثر درخشانش رمان «یورت» آرزوی موفقیت بیش از پیش داریم و مطالعه این اثر ادبی را به تمام علاقه مندان رمان و داستان خوب ایرانی توصیه می کنیم.

مجله فیلم و سینما

۱۲- در نهایت لازم می دانم برتری این رمان «یورت» را به آثاری مثل «مادام بواری» فلوربه که نماینده ی کل ادبیات کشور فرانسه است «به عقیده ی بسیاری از منتقدان» به خاطر برتری و استحکام جاودانه ای که در فرم روایت دارد و هم بسیاری از برترین های ایرانی تاریخ ادبیات ایران مثل «چشم هایش» و یا «سووشون» که بخاطر محتوا و بار معنایی ذاتی شان مشهور و ماندگار شده اند، بدانم: در حالی که سنگینی دو کفه ی محتوا و سبک داستانی یورت همطراز هستند؛ پس بی راه نیست که اگر این شگفتانه چندین دهه بعد ج صد کتابی ایرانی که قبل از مرگ باید خواند، دیده شود!

ساناز رحیمی «دیدگاه خواننده-آموت»





یادداشت

## سید حسین میر کاظمی میر داستان نویسان گلستان

■ ابراهیم حسن بیگی



سال ۵۸ بود و میرکاظمی سی و هفت هشت ساله نویسنده جوان و نام آشنای گرگانی بود و با فضای ایجاد شده در سالهای پس انقلاب، اولین کانون نویسندگان گرگان را تشکیل داد که البته عمر چندانی نکرد و دستور به بستنش دادند. آن روز ها که من جوانی بیست و دو ساله بودم گام اول نویسندگی را در همین کانون در طبقه دوم آپارتمانی قدیمی در فلکه شهرداری گرگان در محضر استاد سیدحسین میرکاظمی بر داشتم. این یعنی تشکیلی مثل کانون نویسندگان در آن دوره می توانست تاثیر گزار باشد و جریان ساز. بخصوص که در راس چنین تشکیلی نویسنده ای دلسوز و معلمی شاگرد پرور و مدبری مدبر باشد. حالا ۴۰ سال از آن روزها گذشته است. سالهاست که میرکاظمی و من - استاد و شاگرد- هر دو باز نشسته شده ایم. گرد سفید پیری بر صورت هامان نشسته است. هر دو به سلهایی فکر می کنیم که از چنگ مان گریخته است. سلهایی که می توانست بهتر از این طی شود. میرکاظمی می توانست کانون نویسندگانش را داشته باشد. در دوران فراغت کنونی بهتر و بیشتر نویسندگانی را تربیت کند که پسوند گرگانی در پس اسم شان افتخار افرین و ارام بخش باشد. اما نشد. تابلوی کانون را پایین کشیدند. ولی تابلوی معلمی و عشق به اموختن پایین کشیدنی نبود. سید حسین میرکاظمی میرداستان نویسان گرگان و افتخار کسانی است که از او چیزهایی آموختند فراتر از داستان نویسی. درس اخلاق و مدارا و صبوری. درس گوشه نشینی اندیشمندانه. درس رفاقت و دوستی با کتاب و قلم. درس تسلط بر کلمه و کلمات. در زادروز این معلم عزیز. نویسنده و پژوهشگر فرهنگ و هنر گرگان. نقاش و تصویر گر کلمه و شکل. خاضعانه سر تعظیم فرود می اورم و با افتخار خود را شاگرد مردی می دانم صفای باطنی اش بر پیری و بیماری ظاهری اش می چربد. ارزو می کنم که میر علمدار داستان نویسان گرگان، میرکاظمی عزیز همیشه در سلامتی و تندرستی باشد.

زادروزت مبارک استاد عزیز.

## با عمرم چه کرده ام



شالوده و بنیاد نویسندگی بی شک دغدغه ی نوشتن است. آیا برای نوشتن، دغدغه دارم؟ دغدغه چیست؟ کلمه ای دشوار و ژمخت، شاید درباره اش بگویم عادت مزمن، یک نگرانی و دلواپسی. از خود بیرسیم چرا به نویسندگی و لاجرم داستان نویسی و یا هنر نوشتن گرایش پیدا کرده ام! نوشتن با پیشوند دغدغه. دغدغه ی نوشتن را با این مشخصه ها در خود سراغ دارم، یا نه! آیا می خواهم هستی خود را کشف کنم؟ آیا می خواهم جهانی سرشار از اشراق به خود و معرفت به خود را ارضاء کنم؟ آیا با نداشتن دغدغه ی نوشتن، جهان درونی مان را از دست می دهیم؟ آیا با دغدغه ی نوشتن می خواهم جهان برون و درونی ام را بهم پیوند زنم و ماندگار شوم و خاموش به هفت هزار سالگان نپیوندم؟ این حاصل چنانچه مثبت بود، پس دغدغه ی نوشتن را دارم، جز این پا به چنین وادی گذاشتن، سبب رنج خود می شوم.

گفتنی ها باز هم مجال دیگر می خواهد، بهتر می نماید حال و هوای کنونی ام را بنگارم. کسی مرا هل می دهد، وسوسه ام گرفته، دستام را بشویم. از زور و دلهره و بیروس نوظهور صابون می زنم. بیست و هشت ساله ام. گویا من چشم ها گرد می شود. و البته حسرت هم در تن و خیال سری می جنباند. و می گوید: کاش من هم بخشی از تاریخ این خاطرات بودم. نه اینکه میسر شود اما این آرزو در دل آدمی همیشه صدا می زند کاش من هم باشم به خودت نهیب می زنی مگر همه ی مردم می توانند دوباره از خودت سوال می کنی خوب به من چه؟! بروم و با زنده گی در کتاب هاش دنیای شگفت انگیز و پر اسرار او را کشف کنم حالا اگر در کوچه ی بالایی با تو همسایه باشد گاهی ممکن است، از کنار هم رد بشوید و یا رود روی هم، و چشم در چشم، بله آقا، شما نویسنده خالق رمان پورت هستید جای بسی خوشبختی ست که در همسایگی نویسنده ی بزرگی چون شما زنده گی می کنم. راستی می توئم، یک روز بیام و کتابخانه شما را از نزدیک تماشا کنم. نویسنده ها همیشه برای من جذاب هستند.

بالینکه خودم در شعر هزار توی دارم می خواهم رابطه ی درونی هنرمند را کشف کنم. این هم جز ذات هنر است. یک حس شاعرانه، یک پرتره است سَرک کشیدن به دنیای شگفت انگیز آن ها. به خاطراتم بر می گردم لذت اون روزها برام تداعی می شود. وقتی به کانون نویسندگان و شاعران می رفتم چقدر شاعر و نویسنده جمع بودن که آرزو می کردم ملاقاتی داشته باشم (شاملو، سپانلو، گلشیری، محسن یلفانی، پرهام، دولت آبادی) محو نگاه شان و مروری در ذهن به کتاب هایی که از آن ها خواندم چه جاذبه ای دارد برایم لذت بخش و باورنکردنی و جاودانه شد. دلم می خواست کنارشان می نشستم که نشستم و می گفتم، که نگفتم: من محمد قاری می توئم یک روز تمام عیار را با شما سپری کنم. نویسنده و شاعرانی با معنای متفاوت از دیگران، خلاق، و دنیای جدیدی که خلق می کنند. این سَرهای در حرکت، این مجموعه ها را باید بیوسم. از مرحله پرت شدم، یا نشدم. حالا سه دهه و اندی حشرو نشر با نویسنده ی خالق یورت، روزها، ساعت ها و حتی شب ها چه سعادت، به جان و تن ام نشاط می بخشد. خالق رمان یورت را سال ها می شناسم از دور و نزدیک، از خانه، از بیرون، حالا قدری از این رماتیک بودن بیرون می آیم در این مختصر یادداشت (از باغ زیتونی چشم) که انتشارش سال ۸۹ می باشد داستان کما برایم حیرت انگیز بود انگار چیزی در اون دهه بود که ما به نوعی گرفتارش بودیم و نویسنده ادامه آن را به دهه های بعد در نا خودآگاه اش منتظر می دید که با تغییر ژنتیکی به آینده پرتاب می شود و او این روزها را نمی خواست ترسیم کند. اما انگار می دانست که یک روز خواهد آمد نسل انسان ها دارد برای ناشناخته ترین دشمن آماده می شود در آینده ای نه چندان دور.

داستان کما چه قدر شبیه کروناست، که امروزه بر سرمان آوار شده حالا که دنیا دارد به ما پشت می کند و برای در امان ماندن به خانه ها فرا خوانده شدیم ((آستانه ی اجبار)) دارد زمان خودش را جلو می اندازد، آری، مرگ در پس

ثانیه بهم می مالم. خیال آسودگی، توان می دهد. از پنجره، حیاط خانه را می بینم. به دنبال شادی کوچکی هستم. در این موقعیت جور دیگری به نظر می آید. دیروزی ها و امروز، باران، پشت باران. ابرها نه پارچه پارچه پراکنده باشند، یکپارچه به رنگ تیره ی خاکستری مسطح به آسمان، میخکوب شده اند. تاریکی دلگیری دارد. سر ساعت به رختخواب می روم. با بیدار خوابی، به سختی از خواب بیدار می شوم. خوبی جمعه نوروزی در این بود، وقتی دیروزی شد، غبطه و حسرت چه زود گذشت خوشی نوروزانه ی مرغانه رنگی، ماهی تنگ بلور، سین سین هفت سین، اسکناس نو، عیدی دادن و گرفتن را مثل سال های قبل، نداشت. تحویل ساعت هفت صبح بود. عزای خواهری، بی دل و دماغی از اوضاع، حدود ظهر، چشمانم وا شد. تحویل بی تحویل ساعت. خواب زده و منگ به دور و بزم نگاه می کنم. رخت نو، میز شیرینی، دید و بازدید، حاجی فیروز، نوروزخوانی، زردی و سرخی چهارشنبه سوری، نشانه ای از عید نیست. حالا چه وقت بهاره؟ امروز را می دانم کدام شبیه ای و کدام بیست هفت اردیبهشتی است.

# میر کاظمی کما، کرونا

و پشت مان راه می رود. اون سال وقتی کُما را خواندم تلخ شدم باور نمی کردم شیرینی زندگی با تمام فراز و نشیب ها یش روزی نیست ما را در نگیرد باز شیرین است به خودم گفتم به داستان های تخیلی می ماند می خوانیم: "هیچ کسی نبود فکر کند این شهر با گربه های مشهورش که توی این سال ها استخوان ترکانده و از گوشه کنار به زمین های زراعی روستاهای دور و بَرش چنگ انداخته بود به چنین حادثه ای گرفتار شود باید گفت آن قدر ترس، آن قدر تشویش. چشم های وق زده، مات شان برده بود. خرد و کلان کنایه ای می نمودند اما صدای خیال هم دیگر را به روشنی می شنیدند: مرگ هم به این افشاح، لابد کمکی در راهه "داریم یواش یواش به این روزها نزدیک می شویم" خبر تیترو روزنامه پایتخت شد: یک بیماری عجیب مردم را به خواب عمیقی فرو می برد. کلیه مردم از بیم گرفتار شدن به این بیماری هنگام خواب تنها یک چشم خود را می بندند."

نویسنده در کُما حادثه ای را نقل می کند که اتفاق افتاده است چه ها می شود و چه ها باید کرد وظیفه ی هنر در این روز شاید آخر آزمانی هم باشد هنوز باید گفت یا برای دیگر نبودن باید مهیا شویم. در جای دیگری از داستان می خوانیم: ((علتی می گوید: ویروسی ناشناخته است. ساکنان سیارات دیگر در اشاعه ی آن دست دارند.

علتی می گوید: ماده ای در خون افزایش پیدا کرده که تولید نوعی خواب آلوده گی شدید و مرگ می کند. در این شرایط هراتاق، هر خیابان و هر داروخانه ای برای مبتلایان معنایی دارد این خانه مال من است. این برج مسکونی، این مزرعه، این آلونک و این ماکسیم. با خود در جدال این هستند)) انگار هیچ چیز هویت ندارد اشیاء

خیابان و شهر پر از ایما و ابهام را پشت سر می گذارم. کسی که شتابان به قرنطینه خانگی دارد می آید، خودم هستم. مکث می کنم. در کجا ایستاده ام برای تحیز و اضطراب وقت دیگر. کی می مانم یا نمانم، امروز هم نقد نیست.

باز هم از پنجره، حیاط خانه را می بینم، به دنبال شادی کوچکی هستم. می بینم در فرصتی، یاد از تولدی شده، شادی بزرگ تر از شادی کوچکی را می یابم. ناگفته نماند نویسنده ی خلاق در چرخه ی زندگی، با دو تولد و دو مرگ رو به روست. تولد فیزیکی و با چاپ اولین کتاب خلاق اش، تولدی دیگر دارد. مرگ ارگانسی، نیز مرگ پُرتکانه ی خلافت. راستی با عمرم چه کرده ام؟ اما چه حرف و سطری، پایانی باشد. همان دو کلمه حرمت و قدردانی «سلام و سپاس». دل خوشی ام به این امید است، چراغی را در این فوریت مقال، برای جستجوگری تان در جهان داستان و نویسندگی و مقدم بر آن حرمت کرامت انسانی، روشن کرده باشم. صمیمانه به شما دل بستگی دارم و عمرم با شماست. مهرتان بیش

بی مصرف افتاده اند حساب بانکی، ماشین در پارکینگ، ویلا ی خالی، نویسنده در فراخوانی ما را دعوت به روشنی می کند ((راه حل فرو رفتن در تاریکی اغما، جایی در افق ایستاده بود. برای دفع خواب مرگبار، رویایی باید داشت)) راوی چاره را در افسانه می جوید ((مردمی که توسط افسانه ها می خواهند سحرگاهی داشته باشند.)) پیشنهاد می کنم (از باغ زیتونی چشم) چشم برناراید و قصه های هزارو یک شب چه تبلوری دارد این روزها هر دو برای حاکمان ستمکار.

اگر عمیقاً لایه به لایه ی این داستان را بشکافیم چه ها در آن دیده نمی شود، با گذشت چند سال از انتشارش و بلایایی که به سرمان آمده بیشتر به پیام آن نزدیک می شویم که در دل سطر هایش هشدارهایی نهفته است. اگر چه نوشتار من به احساس درونی ام خلاصه شد شرح و نقد کتاب ها از ضروریات بود که به قلم نیامد که مجالی دیگر می طلبد بنده نیز در مصاحبه ای کوتاه و یادداشتی که از ایشان دارم به قسمت هایی از آن بسنده می کنم.

**لطفا در مورد چگونگی نوشتن رمان یورت بگویید**  
بازی خیال و واقعیت از سال ۱۳۴۳ بود و تا زمان پایان نوشتن رمان یورت سال ۱۳۶۹ (۲۶) سال تأمل و خیال، ۲۶ سال یورت را مادرانه بار داشتم. باردارش بودم متولد شد منهای قلم فرسایی و با رعایت ایجاز، ایجاز مختص صحرا این رمان قلمرویی است که شخصیت های آن و صحرا، مردان و زنان و دختران دشت حق دارند که فهمیده شوند در واقع یا هستی سرو کار دارد شاید جذابیت، همزیستی احساسات تضاد آمیز در یک یورت باشد. از یک سوی آتایخت و بی عایشه و از سوی دیگر پنگ و آبای این شخصیت ها، نمایشی از خلق و خوی صحرايند. همین تضاد رمان راهه می بُرد.

در هر حال من انسان یورت را باور دارم، به این صحرا اعتقاد پیدا کرده ام و این که زنده شان کرده ام از اعتقاد و باورم مایه می خورد. نمی شود به چیزی اعتقاد نداشت و آن را زنده کرد.

**لطفا درباره ی تجربه و رویا در یورت بگویید؟**  
تجربه و رویا ماده یورت است. سال ها روی رنج ها، شادی ها، اشک ها و لبخند های مردم صحرا تأمل کردم. خواب ندیدم که بنویسم. همه چیز در بیداری گذشته است، در رویای بیداری بود. موقعیت را فهمیده ام برای رنج این صحرا و عاطفه ی عشق، شکوه ها و گلایه های انسان دشت گریسته ام. کلمات این رمان مرا گریانده اند.

**شما به عنوان خالق رمان یورت وظیفه ادبیات را در چه می دانید؟** ادبیات زمینه ساز تغییر و تحول در جامعه است و خطایش هم آزادی است که در حقیقت انسان لاهوتی و ناسوتی است. ادبیات به موضوع ارجمند، عظیم و گرامی می پردازد؛ انسان. و دو اساس و اصل را در تمدن بشری این سیاره محال نمی داند: آزادی و عدالت اجتماعی.

## یادداشت

شکرانه‌ای برای سلامتی  
نازنین استاد، میر کاظمی

■ یوسف قوجق



من مستقیماً افتخار شاگردی این استاد گرانقدر را نداشته‌ام اما با خواندن آثارشان، از دانش ادبی و داستانی ایشان بسیار آموخته‌ام. من مثال بارز و مصداق کامل "درخت، هرچه پربارتر، افتاده‌تر" را در استاد میرکاظمی یافته‌ام. نویسنده‌ای توانمند، فکور و دردمند، با کوله‌باری از تجربه‌ی نوشتن و زندگی و عشق به دیار خویش. این‌ها خصلت‌های قلمی را در کتابش یورت دیدم شیفته قلمش شدم. زمانی که من را به فکر انداخت چرا از داشته‌های تاریخی مردم خودم غفلت کرده‌ام و کمتر به سراغ رفته‌ام. استاد میرکاظمی بخاطر محبتش به ترکمنها و تعصب عاشقانه‌ای که به میهن و استان خویش دارد، با تمی عاشقانه و بسیار ماهرانه و جذاب، به این موضوع پرداخت. مشخصه‌ی کار استاد، تبحرشان در استفاده از توصیف‌های زیبا و شاعرانه در نگارش رمان است و البته می‌دانیم که نقاشی را بسیار دوست می‌دارد و... تسلط بر شاخه‌های مختلف هنر باعث چیره‌دستی داستان‌نویس می‌شود و... در یک کلام، باید خداوند را سپاس بگوییم که استاد میرکاظمی را در ادبیات داستانی به ما عطا کرده و... خداوند به ایشان عزت و سلامت عطا فرماید.

در پایان این یادداشت، دلم نیامد این را نگویم که، در هر صنفی، اگر خللی در اعضای آن صنف ایجاد شود، قطعاً در کوتاه‌مدت، این نقصان در چرخه زندگی کاملاً محسوس است اما در حوزه فرهنگ و ادب، بویژه در ادبیات داستانی و شعر، اگر هنرمندی، برای مدتی فعالیت نکند، شاید در کوتاه مدت محسوس نباشد اما در بلندمدت، خون‌رسانی و پمپاژ خون برای تنظیم رفتار کنشگران جامعه، با اختلال روبرو خواهد شد. پس بر متولیان امور فرهنگی است که حضور اهالی قلم را قدر بدانند.

نویسنده

و صورت، روپوش را پس زد. وداع آخر بود. به محض این که داشتم تولی چیزی می‌گفتم و محو رخساره‌ی بی رنگ بودم، تنواره جنبید. روپوش سیاه را کنار زد. در جا نشست. گویی اساعه یا از قبل، آینه‌قاب‌داری و بشقاب‌ی زرشک پلو، پهلوی‌ش گذاشته بودند. لابد حواس مان نبود. لقمه‌ای از بشقاب برداشت و به دهان گذاشت. حیرت برای من و عذارها، کلامی شد: «نه انگار مرده بود!» آینه‌قاب‌دار را جلو صورتش گرفت. به آن چه قوس به قوسی توی آینه بود، نگاه نگاه کرد. بعد گفت: «آماده

خواب که ندیده بودم. چه چیزی که مهیا نبود. در تالار رو به سمت باغچه پُر لک و پیس، شمار تشییع کننده‌ی سوگوار، به انتظار بود. هوا چندان برای نفس کشیدن، سبک هم نبود. از سقف تالار، خفاش‌ها یکپارچه، آویز و سیاهی بودند. خور قوره، قور خوره پیایی آبریان نامریی، از حوضچه‌ای شفته می‌شد. طعم گرمابه‌ای داده بود. مادر را هنوز توی تابوت نگذاشته بودند، در کف سمته‌ی اتاقی از تالار در زیر پارچه‌ی زمخت سیاه، فقط جسم سرد بود. دستی از قسمت سر

## تخته‌ی سفید

■ سیدحسین میرکاظمی

علیرضا ابن قاسم - اولین بار حسین میرکاظمی را در سالن قدیمی کتابخانه گرگان که تبدیل به سالن اجتماعات شده بود دیدم. شبی که اسماعیل خونی از طرف کانون شاعران و نویسندگان گرگان برای شعر خوانی دعوت شده بود. البته آن زمان یعنی سال پنجاه و هشت شاید جذبه‌های مسائل سیاسی بیشتر باب طبع مان بود ولی همیشه ادبیات برایم جلوه‌ای دیگر داشت. حتا مسائل سیاسی را هم از دریچه‌ی ادبیات نگاه می‌کردم. در جات ادبی سیاسیون برایم اهمیت بیشتری داشت تا تظاهر سیاسی شان. به هر روی اولین تصاویر محوی که از حسین میر کاظمی در خاطرم هست مربوط به آن شب بود.

بعد از گذشت سالها میر کاظمی را در کتابفروشی و انتشارات آژینه یافتم. تقریباً از اوایل دهه‌ی هشتاد بود که هفته‌ای یکی دو شب به آژینه سر می‌زدم گفتگوها همواره در باره‌ی ادبیات و مطبوعات ادبی بود تا این که قضیه چاپ نشریه‌ی چلیکا پیش آمد. قرار شد که در اولین شماره گفتگویی با ایشان داشته باشیم و این اتفاق هم افتاد البته به این صورت که مصاحبه‌ی چاپ نشده‌ای را در اختیار ما گذاشت و ما هم با نام مصاحبه کننده چاپ کردیم.

پرکاری میر کاظمی باعث شد که در گستره‌ی ادبیات داستان نویسی کشور جایگاهی پیدا کند. کسب جایزه‌ی مجله گردون به این شهرت دامن زد. یادم هست مجله «دنیای سخن» پرسشی با این مضمون که «معاصر بودن چیست و معاصر چیست» از شاعران و نویسندگان مطرح کشور به عمل آورده بود که حسین میر کاظمی هم در این جمع بود. من همیشه به دوستان اهل قلم گفته‌ام که میر کاظمی به لحاظ جایگاهی که داشت و دارد از پتانسیل بالایی برخوردار است برای این که نویسندگان و شاعران را کنار هم گرد بیاورد. و اگر این اتفاق می‌افتاد یقیناً وضعیت ادبیات گرگان از آن چه که امروز شاهدش هستیم فراتر می‌رفت میر کاظمی این قابلیت را دارد که بتواند در پیشبرد امر داستان نویسی کمک شایانی به جامعه‌ی ادبی مان نماید هر چند که تلاش هایش در انزوایی ناخواسته انجام می‌گرفت اما باعث تحرک

و پویایی نسل من و بعد از ما بود. رمان «یورت» میر کاظمی به شکل ناعادلانه‌ای مسکوت مانده بود باید از مجله‌ی «گردون» تقدیر کرد که در آن سالها نشان دادند، یک اثر شایسته مغفول نمی‌ماند به هر روی من به عنوان شاعر و کسی که دستی در داستان نویسی دارد برایم مایه‌ی مباهات است که با خالق «یورت» هم‌شهریم و با وی دوستی دارم. میرکاظمی در یورت و هم چنین در داستان‌های دیگری که نشأت گرفته از مناسبات و روابط قوم ترکمن است نشان داده که تبحر خاصی دارد و آن هم به غیر از ذوق و استعداد نویسنده‌گی؛ آشنایی وی با این قوم است. آگاهی از مراده‌ها و اصطلاحات؛ نامها؛ خلق و خوی؛ رفتار آنان است بدون داشتن این دست مایه‌ها نمیتوان به کنه و روح شخصیت‌هایی که خلق می‌شود رسوخ کرد. میرکاظمی در رابطه با مردم ترکمن صحرا این کار را انجام داده است شاید موفقیت وی در داستان‌هایی با این مضمون، به خاطر این است که حرکات

برای  
نوشتن  
همیشه  
دیر است

وسکانتشان درونی او شده است حتما نشست و برخاست هایش با ترکمن‌ها به گونه‌ای بوده که جزئی از زندگیش شده است چه در عین وجهه در ذهن. یا باید حضور فیزیکی داشته باشید یا اینکه آنقدر به آن فکر کرده باشید که جزئی از وجودتان شده باشد. اگر بخوایم در پهنه‌ی ادبیات مان نویسنده‌ای را مثال بزنم که احوالاتش در نوشتن اینگونه است من به سراغ دولت آبادی می‌روم کسی که به خوبی با روابط روستایی و مناسبات فئودالی آشناس است به قول خودش آن احوالات در او رسوب کرده است بی شک اگر کسی رمان با این مضمون مینویسد دولت آبادی از کسانی است که بیشترین اهلیت را دارد. همانطور که میرکاظمی میتواند برای قوم ترکمن بنویسد.

این را گفتم تا بگویم که در کتاب «زن و این گمان» ما داستان‌های را می‌بینیم که در فضای شهر اتفاق می‌افتد روابط بین انسانهای شهری (البته نه تمام داستان) خواننده‌ای که «یورت» را خوانده است یا داستان

هایی با درون مایه‌های نزدیک به آن از میرکاظمی را، متوجه می‌شویم که با دو نثر متفاوت مواجه ایم در یکی روان و خوش آهنگ و دیگری مغلق و با رفتاری غریب. گویی که از راهی صاف و نرم به سنگلاخی قدم نهاده ایم شاید این از زمختی و پرتکلف بودن امورات شهری است قید و قیودی که انسان شهر نشین را در چنگال خود گرفته است. میرکاظمی در «زن و این گمان» کیلومترها با میرکاظمی «یورت» فاصله دارد. در «زن و این گمان» نثری عصبی پیش رویمان است انگار کلمات حوصله ندارند. با کمترین هم نشینی می‌خواهند معنا را بازگو کنند. چیزی که نظر من را در این گونه نوشتن جلب می‌کند این است که میر کاظمی می‌خواهد لفظ را به گونه‌ای در قامت معنا بیاورد که پیرامونش به او حفته کرده است. لفظی برآمده از مضمون. مضمونی پیچیده در لفظی که نویسنده را بی تاب می‌کند و برمی‌آشوبد. در این بین نوعی نوشتن خاص نویسنده خلق می‌شود. نثری که می‌خواهد فرار کند از نوشته شدن به شکل معمول، طور دیگری می‌خواهد نوشته شود.

برای مثال

ور رفت ماشین و عابر، سایه، ور آمدشان آفتابی

ص ۵۷ «زن و این گمان»

اگر بخواهیم به شکل نثری عادی بنویسیم این گونه می‌شود که: ستمی که ماشین‌ها و مردم می‌رفتند سایه بود و ستمی که می‌آمدن آفتابی. اما میرکاظمی می‌خواهد از واژه‌ی «ور» استفاده کند. آن را در محاورات عرضه کند برای همین به شکل معمولی نوشتن پشت می‌کند این گونه پرداختن به نثر در کل کتاب قابل مشاهده است مضاف بر این که شکلی از بریده، بریده‌گویی، موجز گویی و البته همانطور که گفتم غیر معمول گفتن و نوشتن. این غیر معمول نوشتن خود باعث می‌شود که شکل جدیدی از روابط کلام منعقد شود. نوع دیگری از ادبیاتی که خاص یک قشر و یا یک طبقه نیست بلکه خاص نویسنده‌ای است که نمی‌خواهد از گفتار یومیه تبعیت کند.

برای مثال

قطع حرف پیش آمد

ص ۵۲ «زن و این گمان»

می‌توانست بگوید «حرف نیمه تمام ماند» یا «کلام قطع شد» اما نویسنده تعمدن به آن تن نمی‌دهد. کلامی را مورد استفاده قرار می‌دهد که معیار و میزان خودش آن را معین می‌کند. ابایی هم ندارد که مخاطب را در خوانش دچار چالش کند. خواننده‌ی حرفه‌ای می‌داند که متانت و طمأنینه در خواندن هر متن جزو ضرورت هاست. همان طور که نمی‌توان بی‌محابا ابیات حافظ را خواند و ایضاً شاعران و نویسندگان معاصر را.

به هر تقدیر اگر فرصتی برایم پیش آید مشتاقم که در باره‌ی تفاوت‌های نثر میرکاظمی در «یورت» و نثر میرکاظمی در کارهای دیگرش مانند «زن و این گمان» بنویسم. باری اگر مهلت ببایم



# زندگی سرشار از کلمه

## یادداشت

### پاساژ ولیعصر

■ انسیه روشنی

پاساژ ولی عصر همیشه برای نویسندگان و شاعران گرگانی پاساژی متفاوت بود نه بخاطر قدیمی بودن، بلکه بخاطر انتشارات اژینه اش...

کتایفروشی که در طبقه همکف، انتهای پاساژ با ویتربنی بیرون آمده و کتاب های داستان و شعر، خودنمایی می کرد. انوقت ها که تب کنکور ما را در کتایفروشی ها سرگردان می کرد، آنجا همیشه از دنیای کنکور دور بود... مردی آرام با تیپ شخصیتی کاملاً متفاوت. سال ۱۳۷۵ برای اولین بار به آن کتایفروشی رفتیم. شنیده بودم که صاحب این کتایفروشی نویسنده است و می تواند بمن در نوشتن کمک کند. مردی با جذبه پشت میز، که قلمی برای نوشتن در دست داشت و یک کاغذ پر از نوشته زیر دستانش بود، کمی انظراف تر، کتابی نیمه باز که می گفت: در حال خوانده شدن هستم. بدون توجه به سن و سال و تجربه ام بمن گفت بشین و داستانت را بخوان، بعد داستان را از من گرفت و شروع به صحبت کرد. بدون از هر گونه غرور و خودنمایی... کتاب های نویسندگان خوب را بمن معرفی کرد و اصرار داشت فقط بخوانم و بخوانم... مهربانی اش جنس خاصی داشت، مخصوص خودش بود، قدرت قلم، صبوری و لبخندهایش من را برای سال ها مهمان ثابت کتایفروشی او اکرد... مردی که برای پیدا کردنش نیاز به موبایل و تلفن نبود، او یک جای ثابت داشت که حتی بدون یک لحظه تاخیر همیشه می شد آنجا پیداایش کرد...

شاید بی ربط نباشد اگر ادبیات داستانی گرگان را مدیون جناب سید حسین میر کاظمی باشیم ۲۷ اردی بهشت تولد این بزرگمرد داستانی گرامیباد

## یادداشت

### به بهانه ی زادروز نویسنده ی بنام گرگان

■ فروغ محسنی مفیدی

به وساطت دوستی از اهالی عالم معلمی شماره تلفن استاد میرکاظمی را پیدا کردم. رخصت طلبیدم. از همسر مهربان و فرهنگ دوست ایشان وقت دیدار گرفتم. شهرک فرهنگیان. خانه ای که از ابتدای ورود حال و هوای صاحبان فرهیخته اش را چشمزد می کرد. بوی کتاب می داد. بوی فرهنگ، بوی ادب.

برخورد گرم، پذیرایی گرم و... روز زیبایی رقم خورد. دیدار با نویسنده ی توانایی شهرم #گرگان و همسر فرهنگی ایشان. خانم امیر لطیفی. دیدار از کتابخانه ی بزرگو البته به واقع کتابهای دستچین شده. خدا عمرش دهد. فروتنی و در عین حال بزرگمنشی را با هم داشت. گپو گفت. پیرامون کتابها و البته نقاشی های ایشان. به قول سهراب رنگ را نگارین می ریخت. کتابخانه ای که با تابلوهای نقاشی ایشان همنفسی می کرد و از ایستایی برمی خاست. چند جلد از کتابهایش با بزرگواری هدیه ی این دیدار شد.

بعدها هر جا و هر کس خواست که در برنامه های فرهنگی مان میزبان ایشان باشد و من به شخصه خواستم قلمی در این راه بردارم نشد که نشد. دلپش را میداد و میدانم که می دانید. آسمان کشتی ارباب هنر می شکند.

اما آن کس که بلداند ادبیات چیست؟ رمان چیست؟ موسیقید کردن در راه قلم فرسایی یعنی چه؟ از جایی که باید حمایت نشدن یعنی چه...

می داند که استاد میر کاظمی چه زحمت هایی کشیده و چه راه در دل دارد.

تمام زحمت های شبانه روزی ایشان را قدر دانیم و به خاطر افتخاری که برای شهر ما گرگان و برای ادبیات آفرینند، از ایشان سپاس گزاریم.

علی بایزیدی: سید حسین میرکاظمی فرزند فاطمه و سید نظام، نویسنده، داستان نویس، پژوهشگر فرهنگ و ادبیات فولکلور، شاعر، کارشناس ادبیات و گردآورنده ی داستان های عامیانه، نقاش، ناشر، منتقد ادبی و جریده نگار نامدار شمال کشور، متولد ۲۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۱ در گذر دباغانِ محله ی سرپیر شهر گرگان.

میرکاظمی را بسی تردید می توان مشهورترین چهره در زمینه ی گردآوری و تدوین داستان ها و افسانه های عامیانه و فولکلور در شمال کشور قلمداد نمود و در سطح ملی نیز با چهره هایی چون زنده یادان ابوالقاسم انجوری شیرازی و علی اشرف درویشیان و نیز ابوالقاسم و امین فقیری، هم تراز دانست. او فارغ التحصیل رشته ی تعلیم و تربیت از دانشگاه تهران است و اکنون از ورودش به این عرصه و استخدام در وزارت آموزش و پرورش و گام نهادن در راه توسعه و اعتلای فرهنگ و ادبیات ایران، بیش از نیم قرن می گذرد. میرکاظمی در دوران دانشجویی با انتشار مجله ی «دفتر روستا» به عنوان نویسنده و عضوی از شورای سردبیری، نخستین تلاش های خود را در راه نگارش و پژوهش به منصه ی ظهور رسانید و پس از آن، تنها یک سال از ورودش به نظام آموزشی کشور می گذشت که نخستین اثر خود را در ۲۲سالگی با نام «دانش و بینش در روستا» با همت انتشارات اداره ی کل سپاه دانش در ۱۵۵صفحه منتشر ساخت و در همان نخستین گام، اولین جایزه ی نویسندگی اش را از وزارتخانه ی متبوعه (آموزش و پرورش) دریافت نمود.

سیدحسین میرکاظمی که نزدیکانش در گرگان به سیاق دیگر مردان سادات، او را آق حسین خطاب می کنند، از سال ۱۳۴۷ با هدایت و راهنمایی های استاد مشهور و توانمندش، زنده یاد توران میرهادی، با عزمی راسخ پا به عرصه ی حفاظت و صیانت از قصه های عامیانه ی زادگاهش گذاشت، توانست با اقداماتی مبتکرانه بیش از چهار دهه فعالانه و خستگی ناپذیر به جمع آوری این داستان های پر رمز و راز و مردمی بپردازد و ماحصل این اقدام انتشار بالغ بر بیست عنوان کتاب بوده است.

میرکاظمی را می بایست در زمره ی نویسندگانی برشمرد که هدف متعالی خویش از قلم فرسایی، نگارش و پژوهش را از پرداختن به رسالت آگاهانه ی فرهنگی - اجتماعی خود جدا نمی داند، نگاهی به محتوای مجموعه آثار و مقالات او و آنچه در این سال ها به سرانجام رسانیده است به خوبی صحه گذارنده بر این مدعاست. وی در زمره ی آموزگاران انقلابی گرگان بود که در دوران حکومت ستمشاهی به انتقاد از حاکمیت وقت پرداخت تا آنجا که در سحرگاه ۲۱ آبان ۱۳۵۷ به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره ی «جامعه معلمان گرگان» توسط نیروهای ساواک دستگیر و به زندان حکومت نظامی وقت منتقل گردید اما چند روز بعد، در پی اعتصاب پرشور مردم انقلابی زادگاهش، از بند ستم، رهایی یافت.



میرکاظمی همچنین از اعضای کانون نویسندگان ایران در سال های پیش و پس از انقلاب اسلامی است و در شمارگان ابتدایی «اندیشه آزاد» وابسته به کانون، که در سال های نخست انقلاب انتشار می یافت نیز دو عنوان از داستان های او انتشار یافته است.

وی پس از به ثمر نشستن انقلاب اسلامی در طی طریق بی پایان و آرمانی خویش از پاننشست و در آغازین روزهای شکل گیری نظام جمهوری اسلامی، در بیستم فروردین ماه ۱۳۵۸ به تأسیس «کانون نویسندگان و شاعران گرگان» مبادرت کرد و با همراهی برخی شخصیت های فرهنگی و مطرح شهر همچون پرویز کریمی، علی اکبر ابراهیم زاده، غلامعلی و محمد قاری، کریم الله قائمی و... نشریه ی «کتاب فصل» را با سرمایه گذاری های شخصی خود و همکاریش راه اندازی نمود، هرچند از این جریده ی ارزشمند به دلیل عدم بضاعت مالی کافی صاحبانش و البته برخی ناملامتی های روزگار، تنها ۴ نسخه منتشر گردید و عمر کوتاه آن در بهار سال ۱۳۶۰ به پایان رسید اما در سال های نخستین انقلاب، سرآغازی نو در عرصه ی فرهنگی و ادبی گرگان و مطبوعات محلی منطقه محسوب می گردد. در سال ۱۳۶۹ نیز مجموعه ی «فصل گرگان» تحت نظارت وی با آثاری از شعرا و نویسندگان معاصر گرگان و دیگر مناطق از جمله محمد قاری، محمدهمدی مصلحی، علی اکبر ابراهیم زاده، جواد پیشگر، یحیی وکیلی زند، محمدباقر نجف زاده بارفروش، خودش، و مصاحبه ای با زنده یاد دکتر فرامرز سلیمانی، توسط انتشارات دبیران تهران به طبع رسید. وی همچنین پیش و پس از انقلاب در نشریات مختلف محلی، ملی و بین المللی از جمله روزنامه های کیهان و اطلاعات، و جرایدی چون گلشن مهر، استارباد، تیرازه، گیله واه، شوکران، مردم و زندگی، به نگارش شعر، مقاله، داستان و نقد پرداخته بود. میرکاظمی در سال ۱۳۷۲ و در آستانه ی بازنشستگی از رسالت انبیاپی اش، با داستان مشهور «یورت»، جایزه ی ملی مجله ی گردون را به عنوان رمان برجسته سال دریافت نمود. در سال ۱۳۸۵ نیز مقاله ی پژوهشی اش با نام «نقش قصه ها نسبت به بازشناسی حکمت بیابان در فرهنگ ایران»، از سوی کانون پرورشی کودکان و نوجوانان به



عنوان مقاله ی برگزیده، انتخاب و مورد تقدیر قرار گرفت و توسط کانون منتشر گردید. همچنین در خردادماه سال ۱۳۹۶ به بهانه ی هفتاد و پنجمین سالروز تولدش، به همت دستاوردکاران فصلنامه ی استارباد، به خاطر ۵۵سال خدمات فرهنگی مورد تقدیر قرار گرفت و تمیر یادبودی نیز از سوی این نشریه به افتخارش منتشر شد.

این شخصیت فرهیخته ی معاصر سال ها باره اندازی انتشارات آژینه و کتایفروشی ای به همین نام در زادگاهش (واقع در پاساژ ولی عصر خیابان ولی عصر)، سه گانه زیبایی از نویسندگی، نشر و عرضه ی کتاب را رقم زد، لکن در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶ بنا به برخی دلایل شخصی، دفتر انتشارات و فروشگاه کتابش را تعطیل کرد. با این حال، چند سالی است که به وادی هنر نقاشی نیز روی آورده و در این راه، به خلق چندین اثر جالب توجه دست یازیده است.

از میرکاظمی بیش از سی عنوان کتاب در فاصله ی سال های ۱۳۴۳ تا ۱۳۹۷ در زمینه های مختلف «ادبیات داستانی» و «ادبیات عامیانه» به چاپ و نشر رسیده و برخی نیز تجدید چاپ شده اند. این آثار عبارتند از:

- ۱- دانش و بینش در روستا (۱۳۴۳)
- ۲- آلامان؛ داستان هایی از روستا و ترکمن صحرا (۱۳۵۳) و (۱۳۵۵)
- ۳- پوپک قصه گو (۱۳۵۳)
- ۴- کفچه مار؛ سه منزل سه قصه (۱۳۵۶) و (۱۳۸۵)
- ۵- کبک دری و کبک ها (۱۳۵۶)
- ۶- پرنده ها چرا به دلخواه نمی خوانند؟ (۱۳۵۷)
- ۷- مثل عاشورا (۱۳۵۷)
- ۸- گندم شورا (۱۳۵۹)
- ۹- قصه هایی از مردم ترکمن صحرا (۱۳۵۹)
- ۱۰- می روم جبهه تا جنگ را تمام کنم (۱۳۶۱)
- ۱۱- رمان «یورت» (۱۳۷۰)، (۱۳۸۰) و (۱۳۹۵)
- ۱۲- مادرها تمام شدنی نیستند؛ ۴۱ داستان کوتاه (۱۳۷۰) و (۱۳۸۲)
- ۱۳- چه کسی باور می کند که من فوتبالیست بزرگی هستم؟ بی تا
- ۱۴- حماسه گوراخلو و قیراتم (۱۳۷۲)
- ۱۵- افسانه های شمال (۱۳۷۲)
- ۱۶- افسانه های ما زندگان (۱۳۷۶) و (۱۳۹۵)

۱۷- چهل گیسو طلا: افسانه های مردم

مازندران، گلستان و ترکمن صحرا (۱۳۷۷) و (۱۳۸۱).

۱۸- زن و این گمان؛ بیست و یک داستان (۱۳۷۹).

۱۹- آن جا که صدا مهتاب بود؛ مجموع شعر و موسیقی، تصنیف ها و سرودهای ایرانی- ۱۳۷۹.

۲۰- افسانه های دیار همیشه بهار، قصه های مردم مازندران و ترکمن صحرا- ۱۳۷۹.

۲۱- خانوم کوچولو و آقا خرگوشه: بر اساس قصه ای از شارلوت زولوتو- ۱۳۷۹

۲۲- قصه های مردم مهربان- ۱۳۸۱

۲۳- سایه های بوته تمشک؛ ۵۱ داستان کوچک و عکس فوری سفر- ۱۳۸۳

۲۴- «۳۳» قصه از سرزمین ایران- ۱۳۸۴.

۲۵- هفت پری ایرانی و ۳۰ قصه دیگر- ۱۳۸۷

۲۶- باغ زیتونی چشم؛ مجموعه داستان های کوتاه کوتاه و بلند- ۱۳۸۹

۲۷- هفت پری ایرانی و ۲۹ قصه دیگر- ۱۳۹۰.

۲۸- من و رستم و گرز و افراسیاب- ۱۳۹۰.

۲۹- شازده ی دریای خزر و ۲۲ افسانه ی دیگر- ۱۳۹۲.

۳۰- داستان گلستان- ۱۳۹۳.

۳۱- مرغ نوروزی و عید نوروز و ۲۷ قصه دیگر- ۱۳۹۴

همچنین چند کتاب دیگر نیز از این نویسنده پرکار و ماندگار گرگان زمین در آستانه چاپ و نشر قرار دارد.

از دو دخترش، که حاصل پیوند زناشویی او با خانم سیده عظمیا امیرلطیفی است، «غزل» نیز همچون پدر، گام در راه فرهنگ و ادب نهاده و به سرایش شعر و چکامه می پردازد، شعر «مثنوی دلتنگی» او در قالب سپید، نمونه ای از این سروده ها است: از دل به دیده، راه غمناکی را می پیمایم / و از دیده، فرو می ریزد، فقط اشک و احساس، / غم شکستن ساقی و خالی شدن پیمانه / در خفای بی حفاظ روزگار، / در کلبه ی کوچک درد نفس هایمان / قلمی شکسته برای مان باقی مانده است. / برای آرزوی برگی ی سفید باید آه کشید. / آهی در انتهای حسرتی سرد و در آن سو تر، اشک چشم مژگان مست را / در خیال باطل اُمید می بینم. / نمی دانم کی؟ / چه وقت؟ / ببنوته ام از هم گسیخت / و در امتداد گذر زمان قرار گرفت. / در انتهای کوچه باغ / بر سر دو راهی / روبروی تابلوی افراشته ی دیدگانم / با کلمات آمیخته به هم، / نوشته بودند: / مثنوی دلتنگی....

علاوه بر شهرت فراگیر میرکاظمی در حوزه ی ادبیات داستانی و عامیانه، او دستی بر آتش شعر نیز دارد و در قالب سپید و نیمایی به سرایش شعر نیز پرداخته و می-پردازد. چنانکه «طی سال ها در جنگ های ادبی و نشریات، به-طور پراکنده، چاپ شده است... و هنوز به فکر کتاب شدن نیفتاده است. با این حال، حضور نام و شعر او در مجموعه ی «شعر امروز مازندران» اسدالله عمادی در سال ۱۳۷۱ نشان از جایگاه و پیشینه ی شعری میرکاظمی دارد.

■ مدیر مسوول استارباد



## بخشی از آب

### ۳ سد در گلستان تخلیه شد



مدیر بهره‌برداری و نگهداری از تاسیسات آبی شرکت آب منطقه‌ای گلستان گفت که بخشی از آب ذخیره سدهای بوستان، گلستان و وشمگیر با هدف کنترل و تنظیم آب مخازن سدها رها شده. گزاره روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای گلستان، شعبان رسولی اظهار داشت: آب تخلیه شده این سدها علاوه بر استفاده توسط کشاورزان پایین دست سدها، در آب بندها نیز ذخیره خواهد شد. در حال حاضر ۱۴ سد مخزنی گلستان ۱۹۲ میلیون متر مکعب معادل ۷۸ درصد آب دارند. ظرفیت مجموع سدهای گلستان ۲۴۵ میلیون متر مکعب است. پیشتر مدیرکل هواشناسی استان گلستان به ایرنا گفته بود: بارش‌های بهار امسال این استان تا ۲۰ درصد بیشتر از متوسط میانگین بلند مدت ۱۰ ساله و نوید بخش روزهای پرباران در ادامه این فصل خواهد بود. همچنین به گفته حسن فرازجو مدیر دفتر مطالعات پایه شرکت آب منطقه‌ای گلستان، بارش بهاری امسال در این استان در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۴ درصد افزایش دارد.

«»

### شکار ممنوع شد



عبدالرضا چراغعلی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان با اشاره به صدور اطلاعیه‌ای در خصوص اجرای قانون ممنوعیت ۵ ساله شکار در جنگل‌های شمال کشور گفت: این تصمیم برای تمامی جنگل‌های استان گلستان، مازندران و گیلان گرفته شده و در تکمیل ابلاغ آیین نامه قانون شکار و صید صورت گرفته است. وی در ادامه تصریح کرد: لذا هرگونه تیراندازی و شکار در سطح عرصه‌های جنگلی شمال کشور واقع در استان‌های گلستان، گیلان و مازندران ممنوع بوده و از تاریخ ۳۲/۹۹ به مدت پنج سال به عنوان مناطق شکار ممنوع تعیین و معرفی شد. وی گفت: با صدور چنین قوانینی می‌توانیم امیدوار باشیم که نسل حیات وحش کشور حفظ شود. چراغعلی بیان کرد: با اعلام ممنوعیت شکار در جنگل‌های شمال عملاً امکان صدور پروانه در این مناطق وجود ندارد و حمل سلاح هم در این مناطق ممکن نخواهد بود. وی تصریح کرد: با توجه به تمديد ممنوعیت شکار در عرصه‌های جنگلی شمال، مبادرت به هرگونه شکار و صید در مناطق و عرصه‌های جنگلی استان گلستان، جرم محسوب شده و با متخلفان مطابق قانون برخورد می‌شود.

و نایمن ضمن تامین امنیت خود مانع از وقوع تصادفات جاده‌ای گردیم. امیدوارم مأمورین محترم پلیس راه نیز در این مسیر بسا اعمال حداکثر تعامل با کشاورزان به برقراری ایمنی جاده‌ای کمک نمایند. (۹) با عنایت به پروتکل‌های بهداشتی و لزوم رعایت فاصله گذاری اجتماعی و احتمال افزایش مراجعه کشاورزان به بانکها جهت افتتاح حساب و یا سایر عملیات بانکی، اتخاذ راهکار آسان کم خطر و حتی المقدور مجازی مورد انتظار است.

(۱۰) دقت نظر فنی و کارشناسی در تحویل محصول از پیمانکاران تولید و استحصال بذر و همچنین آماده سازی (بوجاری)، نگهداری و انبارداری در شرایط استاندارد، زمینه تامین بذر مرغوب و با کیفیت سال آتی کشاورزان را فراهم خواهد نمود. در خاتمه از کشاورزان عزیز به منظور حفظ حیات خاکزیان و اصلاح و تقویت بافت خاک از تمنا میشود از آتش زدن بقایای کشاورزی خوداری نمایند. بدون تردید واحدهای ترویج کشاورزی با بهره گیری از کشاورزان پیشرو در اینخصوص توصیه ها و الزامات قانونی خود را بکار خواهند بست.

### فعال اجتماعی

(۵) محصول کلسا به عنوان یک محصول استراتژیک در تامین بخشی از روغن خوراکی با عنایت به ریزش دانه های کلسا در پی کوچکترین تکانه و میزان رطوبت در مرحله برداشت و ظرافت های فنی و مهندسی مرحله انبارداری و ... نیازمند دقت نظر کارشناسی و حمایت همه جانبه است (۶) به منظور مقابله با هرگونه آتش سوزی احتمالی در مزارع، آماده باش ماشینهای آتش نشان دهیاری ها و شهرداریها یادآوری میگردد.

(۷) تامین سوخت ناوگان برداشت و حمل و نقل عمومی به میزان نیاز مطالبه اصلی کشاورزان است. از آنجایی که استان گلستان با پدیده قاچاق مرزی سوخت مواجه نمی باشد و از طرفی به عنوان قطب تولیدات کشاورزی مطرح میباشد، ضرورت دارد استاندار محترم برای رفع نیاز و تامین مکفی سوخت دستور مقتضی را صادر فرمایند.

(۸) پر واضح است در این بازه زمانی محدود برداشت محصولات کشاورزی، با تردد پرتراфик ماشین آلات کندرو مواجه خواهیم بود، لذا رعایت و ارتقاء ایمنی تردد از طریق تعمیر و اصلاح چراغ روشنایی جلو و عقب ماشین آلات و همچنین پرهیز از تردد با تعداد دنباله بندهای مازاد غیر فنی

ارتباط اعمال اقدامات و هماهنگی های ذیل را پیشنهاد مینماید:

(۱) معاینه فنی ناوگان برداشت محصول و تعیین مراکز تحویل گیری در مدت زمان متعارف که نیازمند توقف شبانه کامیون نباشد، زیرا در صورت توقف شبانه بار مالی بیشتری به کشاورزان تحمیل مینماید. تقویت نیروهای کارشناسی و افزایش مراکز تحویل گیری میتواند به سرعت عمل بیشتری بیانجامد.

(۲) پیگیری لازم برای پرداخت بهنگام بهای محصولات تحویلی کشاورزان با عنایت به مشکلات اقتصادی و معیشتی کشاورزان.

(۳) تعیین منطقی و معقول هزینه برداشت و حمل و نقل محصول توسط اداره کل راهداری و حمل و نقل و پایانه های استان و سایر مراجع ذی مدخل استان.

(۴) در برخی از سننات گذشته سیب زمینی کاران استان با بهای غیر مقرون به صرفه محصول خود مواجه میشدند که باعث بروز خسارت و مشکلات فراوانی میگردد. لذا در سال جاری نیز بهتر است سازمان جهاد کشاورزی و صمت برای مدیریت بهینه (تعیین سردخانه و خرید) چنین شرایطی برنامه ریزی نمایند. امیدوارم با توجه به هزینه سنگین کاشت و داشت و برداشت چنین نشود.

## آغار برداشت محصولات زراعی و لزوم هماهنگی سازمانها و ادارات متولی و خدمت رسان



### دکتر سعید بلقی

حال که نرم نرمک به زمانه نواختن زنگ برداشت کلسا، جو، سیب زمینی و گندم نزدیک میشویم بهتر است سازمانهای متولی و عاملین ذیربط برای برداشت بهینه و بی دغدغه اقلام زراعی یاد شده برنامه ریزی نمایند تا در شرایط سخت کرونایی و پساکرونایی، کشاورزان زحمتکش دچار مشکل افزون دیگری نگردند که در این

## بهره‌گیری از فضای مجازی برای ترویج فرهنگ قرآنی موثر و مفید است

های نسل جوان فعال هستند، شایسته تقدیر است که مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور از طریق فضای مجازی ورود پیدا کند و با تولید محتوا و مطلب ارزشمند و مطابق با نیازهای روز در جامعه می تواند دشمن را در راه رسیدن به اهدافش نا امید کند.

همه مخاطبان سهل الوصول است و در نهایت می‌توانیم اتفاقات ارزشمندی را در این عرصه رقم بزنیم. آخوند داود بلفکه ضمن تقدیر از ایجاد استودیو مجازی لحظه‌های وصال، گفت: امروز در شرایطی که کانال‌های مختلف مجازی و اینترنتی در جهت فریب افکار و اندیشه

در برنامه‌های خودمان داشته باشیم، بهره‌گیری از فضای مجازی برای ترویج فرهنگ قرآنی است. وی با بیان اینکه، امروز فضای مجازی یکی از عوامل اصلی ارتباط‌گیری افراد به خصوص جوانان در جامعه به شمار می‌رود، تصریح کرد: این فضای نوین به دلیل کم هزینه بودن برای

آخوند داود بلفکه گفت: بهره‌گیری از فضای مجازی برای ترویج فرهنگ قرآنی موثر، مفید و تاثیرگذار است. آخوند داود بلفکه در حاشیه ضبط فیلم های استودیو برنامه «لحظه های وصال»، اظهار کرد: یکی از تاثیرگذارترین و مفیدترین برنامه‌هایی که ما می‌توانیم

### نوبت دوم



## مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

### شرکت آب و فاضلاب استان گلستان در نظر دارد

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای پروژه مشروح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه در تاریخ ۹۹/۰۲/۲۴ می باشد.

موضوع فراخوان مناقصه	مهلت دریافت اسناد	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	زمان بازگشایی	ساعت بازگشایی	محل تامین اعتبار	دستگاه نظارت
اجرای خط آبرسانی (رینگ) کتبد	۹۹/۰۲/۳۱	۸.۶۵۲.۰۹۷.۲۶۶	۴۳۲.۶۱۰.۰۰۰	۹۹/۰۳/۱۸	۸ صبح	عمرانی	سرپرست معاونت بهره برداری و توسعه آب

به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهای که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۱۷۳۲۴۲۶۳۰۶ (دفتر قراردادها) تماس حاصل و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس <http://iets.mporg.ir> و سامانه ستاد به شماره فراخوان: ..... مراجعه نمایید.

مهلت تسلیم پیشنهادها: تا ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۹۹/۰۳/۱۷

– فیزیک پاکت الف پس از بازگشایی در سامانه ستاد، در مهلت تعیین شده و لاک و مهر شده به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب گلستان تحویل داده شود.

رشته مورد نیاز: حداقل پایه ۵ رشته آب

نشانی کارفرما: استان گلستان، گرگان، میدان بسیج، سایت اداری، شرکت آب و فاضلاب استان گلستان



